

دغدغه‌ها بعد از آویختن الک

نگاهی به چالش‌های بازنشستگی از زبان برخی از بازنشستگان



فاطمه کریمخان
روزنامه‌نگار

می‌گوید: «بازنشسته که شدم، پول مختصری به ما دادند؛ رفتم با آن یک تکه زمین در شهریار خریدم. از کنار کارمندی چیزی عاید آدم نمی‌شود و به نظرم روزی آدم را زمین می‌دهد؛ خدا را شکر زمین کشاورزی خوب است. البته خودمان که کاشت نمی‌کنیم و کارگر و کشاورز روی زمین کار می‌کنند. پسرها هم که هرکدام دنبال زندگی خودشان هستند و اصلاً اهل این کارها نیستند. از دو سال پیش زمین را اجاره می‌دهیم که سال به سال یک درآمدی داشته باشد. خودم هم خانه‌ام را اینجا فروخته‌ام، یک آپارتمان خریده‌ام، باقی‌اش را در شمال یک تکه زمین خریدیم و یک کلبه‌ای درست کردیم. این روزهای بازنشستگی بیشتر آنجا هستیم، نه توی تهران، با این گرما و شلوغی و دود و دودم. آنجا برای خودمان در باغچه همه چیز کاشته‌ایم، هم سبزی، هم گوجه و بادمجان. خودم هم به همه‌شان رسیدگی می‌کنم، همسرم هم فقط دستور می‌دهد! هرچند وقتی هم بچه‌ها می‌آیند و پیش ما اتراف می‌کنند. بازنشستگی است دیگر، گاهی می‌آیم فیشم را گرو وام برای این پسر می‌گذارم، کارهای اداری آن دخترم را پیگیری می‌کنم و باقی‌اش را بیشتر با همسرم سپری می‌کنم».

زهر خانم، از ۱۰ سال پیش که همسرش را از دست داد، با حقوق بازنشستگی او زندگی می‌کند، دو پسر و سه دخترش همه سر خانه و زندگی خودشان هستند، برای او مانده است «آب باریکه‌ای» که باید با آن زندگی را اداره کرد. او می‌گوید: «تا

برای کسانی که امروز وارد بازار کار می‌شوند، فکر کردن به بازنشستگی مثل فکر کردن به افق‌های دور است که در آن هم نگرانی وجود دارد و هم رهایی. برای آن دسته از افرادی که این شانس را دارند که در آغاز میانسالی، یعنی بعد از ۴۵ سالگی بازنشسته شوند، این دوران به معنای برخورداری آنها از حد معینی از امنیت اقتصادی است که در سایه آن می‌توان برای رسیدن به اهداف دیگری برنامه‌ریزی کرد.

اما بازنشستگی چهره دیگری هم دارد و انگار چهره آن بیشتر مردانه است تا زنانه؛ پایه این ادعا تا حدودی به دلیل میانگین جنسی کارمندان در دوره‌های گذشته، و تا حدودی هم به دلیل این است که مردان بیشتر از زنان بیرون از خانه دیده می‌شوند. با این حال روزگار پیری برای همه هست و زنان زیادی هم هستند که حقوق بازنشستگی همسر فوت شده خود را دریافت می‌کنند و هرچند عضو جامعه بازنشسته‌ها به حساب می‌آیند، از کار خانه بازنشسته نشده‌اند. مردان بازنشسته‌ای که در پارک‌ها وقت می‌گذرانند و زن‌هایی که صبح تا شب در خانه دور خودشان می‌چرخند و دست بالا از نوه‌هایشان مراقبت می‌کنند، هر کدامشان هزار و یک نگرانی و دغدغه دارند که ممکن است به طور ناگهانی رخ دهد و آنها انتظارش را نداشته باشند.

آقای مسنی که در بانک منتظر است تا نوبتش شود، می‌گوید ۱۰ سالی هست که بازنشسته شده و از اوضاع راضی است. او



نیود خدمات
اجتماعی
خاص برای
سالخوردگان
باعث می‌شود
بخش زیادی
از مراقبت‌های
ویژه‌ای که این
قشر به آن
نیاز دارند، به
عهده بستگان
و فرزندان
قرار بگیرد، در
این شرایط،
کهنسالانی که
فرزندی ندارند
یا فرزندان‌شان
دور از آنها
زندگی می‌کنند
زندگی سخت‌تر
از دیگران دارند.